



## عاشورا دست هدایت پروردگار است/ جریان زنده یا یک حادثه غم انگیز؟

دریغا که ما عاشورا را به گونه ای دیگر مطرح کرده و آن را از حالت یک «جریان زنده» به صورت یک «حادثه غم انگیز» تاریخی تبدیل کرده ایم.

دریغا که ما عاشورا را به گونه ای دیگر مطرح کرده و آن را از حالت یک «جریان زنده» به صورت یک «حادثه غم انگیز» تاریخی تبدیل کرده ایم.

متن زیر یادداشتی از یحیی یثربی استاد فلسفه است که در ادامه می خوانید؛

عاشورا که مرا سوار ذوالجناح می کردند و من در میان فریاد «حسین، حسین» مردم، از زبان حضرت سکینه خطاب به ذوالجناح نوحه می خواندم، کسی صدای ضعیف مرا نمی شنید، ولی می دیدم که همه به من نگاه می کنند و گریه می کنند. شاید هم چهره خجالتی و کودکانه ام به گریه آنان یاری می رساند.

آن وقت ها درست درک نمی کردم که چه می خوانم و چه نقشی ایفا می کنم. وقتی طلبه شدم، بازهم سال های سال روضه می خواندم و مردم به گریه می داشتم و خودم نیز گریه می کردم. اما هنوز چیزی از عاشورای حسینی نمی دانستم، جز اینکه در آن روز، امام حسین (ع) و یارانش را به شهادت رسانده اند!

پس از سال ها اندکی به خود آمدم و به جریان عاشورا با دقت نگرستم و به تدریج به اهمیت و عظمت این جریان پی بردم. آن روزها مصادف بود با قیام مردم ایران h رهبری و اقدامات شجاعانه مرحوم امام خمینی (ره)! فضای جامعه به گونه ای بود که در همه مجالس و محافل، کم و بیش نکته های باریکی درباره عاشورا گفته می شد و تحلیل های خوبی از این جریان ارائه می گردید.

در آن روزها من یاد گرفتم که داشتن امکانات و زمینه نعمت بزرگی است، اما اگر دو چیز وجود نداشته باشد، این امکانات به حال ما هیچ سودی نخواهند داشت و آن دو چیز عبارتند از:

یک - آگاهی از وجود چنین امکاناتی و شناخت صحیح نسبت به آنها.

دو - توان بهره برداری از آنها.

سال های سال نفت در زیر زمین بود و ماده و فیزیک می توانست محصولات ارجمندی به انسان تقدیم کند، همانند اتومبیل، تلویزیون، تلفن، داروهای جدید، جراحی، و ...، اما انسان نمی توانست از این بابت چیزی به دست آورد، زیرا از قوانین حاکم بر فیزیک و از ماهیت و امکانات آن خبر نداشت.

سال ها کشورهای زیادی در زیر خاک خود نفت داشتند، اما نمی دانستند که چه دارند! و زمانی هم که از امکانات طبیعت و اینکه نفتی در زیر زمین دارند، آگاه شدند، بازهم برخی نتوانستند از این نعمت بهره بگیرند. از این رو، نه تنها از ثروت خود بهره مند نشدند، که در مواردی هم بیگانگان آن را به یغما و غارت بردند.

بنابراین، اگر ندانیم که چه داریم و نتوانیم از آنچه داریم بهره برداری کنیم، فرصت را از دست می دهیم و گرفتار خسارت و زیان می گردیم. داشتن امکانات چیزی است و شناخت داشته ها و توان بهره گرفتن از آنها چیز دیگر.

نمونه دیگر عقلانیت و دین است. ما با وجود اینکه دینی عقلانی داریم، در مسیر برعکس عقلانیت حرکت می کنیم. در حالی که غرب که انجیلش ضد عقل است و دینش مخالف اندیشیدن و علمایش تفکر را مخالفت با خداوند می دانند، عقلانی حرکت می کند. یعنی ما داشته خود را نشناخته و از آن استفاده نمی کنیم، در حالی که آنان از داشته های ما آگاه هستند و به خوبی از آنها بهره برداری می کنند.

طبیعی است که هرگاه جامعه ای نتواند از امکانات خود بهره بگیرد، دیگران از آن امکانات بهره می گیرند. از اینجاست که پیشوای پرهیزگاران، علی (ع) به ما هشدار می دهد که مبدا دیگران در عمل به قرآن از شما پیشی بگیرند (نهج البلاغه: نامه ۴۷).

عاشورا و قیام امام حسین (ع) در این روز، از داشته های بسیار بزرگ و ارجمند ماست، زیرا می تواند جامعه را از جهات مختلف فکری و فرهنگی و سیاسی و بین المللی غنی سازد. اما ما هنوز این منبع غنی را نشناخته ایم و نتوانسته ایم به درستی از آن بهره بگیریم.

در ادامه این یادداشت ها به این دو مسئله، یعنی شناخت عاشورا و نیز بهره برداری از عاشورا خواهیم پرداخت. اینک، نگاهی گذرا به شناخت عاشورا داریم.

## یک &ndash; عاشورا چیست؟

افلاطون پس از بیان اقسام حکومت ها و میزان اهمیت و اعتبار آنها، نکته بسیار مهمی را مطرح می کند و آن اینکه کارایی این حکومت ها، مشروط به قانون مداری و دانش محوری آنهاست. اگر این حکومت ها این دو شرط مهم را نادیده بگیرند، اولویت آنها از نظر اعتبار، معکوس خواهد بود. یعنی بدترین نوع حکومت، بهترین نوع آن شده و بهترین نوع آن هم به بدترین نوع حکومت تبدیل خواهد شد. براساس این قاعده افلاطون، چون ما حکومت دینی را بهترین نوع حکومت ها می دانیم، اگر این حکومت، شرایط لازم خود را نداشته باشد، به بدترین نوع حکومت ها تبدیل خواهد شد! چنانکه عملاً

در تاریخ اسلام مشاهده کرده ایم.

پیامبر خاتم(ص) که در اوج رنج و گرفتاری هم نقش تبسم از لب هایش جدا نمی شد، پس از فتح مکه از نگرانی هایی که نسبت به آینده این نظام الهی داشت، با اینکه همه شرایط دلخوشی و شادمانی برایش فراهم بود، لب هایش با لیخند بیگانه شد! نگرانی او در خواب و بیداری برای دیگران چندان قابل لمس نبود، زیرا شرایط موجود کلاً به سود اسلام دیده می شد و جناح شرک و نفاق، شکست خورده و متلاشی شده بودند.

اما این نگرانی ها وقتی به حقیقت پیوستند که عملاً با فاصله کمی از درگذشت پیامبر، دشمنان دیرین او که جز هواپرستی و جاه و مال چیزی در نظر نداشتند، دست به کار شدند و سرانجام در جای او نشستند و شمشیر و نیزه حمایت از اسلام و قرآن به دست گرفته، همه مبارزان حقیقی میدان های جهاد بدر و احد را در چنان تنگنایی قرار دادند که یا باید تن به ذلت دهند یا گردن به شمشیر بسپارند.

اینک باید پرسید که آن کدام عامل و عنصر محوری است که با تغییر آن، بهترین نظام حکومتی - یعنی نظام الهی - به بدترین نوع آن تبدیل می شو؟ بی تردید از دیدگاه شیعه، این عامل محوری چیزی جز شخصیت حاکمان نیست، یعنی اگر حاکمیت جامعه اسلامی در دست بندگان صالح خدا باشد که جامعه را با خردورزی و قانون مداری اداره کنند، نظام، یک نظام الهی خواهد بود و اگر در دست افراد هواپرست و جاه طلب و شیفته دنیا قرار بگیرد که جامعه را با استبداد و ستم اداره کنند، آن حکومت تبدیل به نظام طاغوتی می شود که خطرناک ترین و بدترین نوع حکومت است. زیرا در چنین حکومتی است که زور و زر و تزویر، دست به دست یکدیگر داده و انسانها را به ذلت و بردگی می کشانند! در چنین حکومتی خدا و نبوت و دین هم در حد شمشیر و نیزه، ابزار دست سلطه جویان شده و حتی بیش از شمشیر و نیزه در سرکوب مردم اثر میگذارند.

عاشورای حسینی نتیجه قیامی است آگاهانه و شجاعانه در برابر حاکمیت فرعون در ردای موسی که تهاجم بی امانی بود بر همه ارزش های آسمانی و معنوی!

از زمانی که دین و شریعت در میان مردم بوده است، عده ای از آن به عنوان ابزار مال و جاه بهره گرفته اند. در جهان اسلام نیز با پایان یافتن جهاد اصغر، دوران جهاد اکبر فرا رسیده بود. مال و جاه، خودنمایی کرده، از عده ای دل می بُرد. در نتیجه، در نظر فریفتگان مال و جاه، ارزش های دینی و رهنمودهای الهی رنگ می باختند. دوران خطرناکی آغاز شده بود؛ شیفتگان زر و زور، حامیان دیرین خدا و محمد(ص) را به نام دشمنان خدا و محمد(ص) بی رحمانه می کشتند! کار چنان پیش رفته بود که یزید، با آن همه صفات و اخلاق نکوهیده به عنوان خلیفه بر مسند حکومت نشسته و دمشق قبله گاه مردم شده بود که هر که رو به سویش نکند، کشته می شود!

در چنین شرایطی، امید همه دل هایی که به یاد خدا می تپیدند، کسی نبود جز حسین بن علی(ع) که باید به میدان می آمد و به انسان و انسانیت درس مقاومت می داد و چنین هم شد. تنها از عهده حسین برمی آمد که در برابر این توطئه خطرناک و شیطانی که با تمام قساوت و قدرت به میدان آمده بود و حرمت حدود الهی و حرم خدا را زیر پا می گذاشت، به میدان آید و خون پاکش را در برابر شمشیر آن ناپاکان قرار دهد.

عاشورا به انسان و انسانیت، درس ایمان، دلیری و پاکبازی می دهد. دریغا که ما عاشورا را به گونه ای دیگر مطرح کرده و آن را از حالت یک «جریان زنده» به صورت یک «حادثه غم انگیز» تاریخی تبدیل کرده ایم.

در حالیکه عاشورای حسینی یک جریان همیشگی است که در آن صف حسینی ها، از صف یزیدیان جدا می گردد و حسینیان عملاً با گسترش سلطه یزیدیان درگیر می شوند. اگر چنین نباشد خود این مراسم به ابزاری در دست غارتگران و رباخواران و سلطه جویان تبدیل خواهد شد و یک جریان سرنوشت ساز، نقش یک مراسم حزن آور و غفلت زا را بازی خواهد کرد!

از این نکته غفلت نکنیم که تا با معنای دقیق نظام حاکمیت الهی آشنا نشویم که هدفش جز درست اندیشی و ایمان و فضیلت و عدالت و برابری مردم نیست، عظمت و ارجمندی و استمرار و جاودانگی عاشورا را درک نخواهیم کرد. عاشورا دست هدایت و حمایت پروردگار جهان است که می تواند انسان ها را در برابر تهدید همیشگی شرک و ستم پناه بخشد. عاشورا پیام قرآن و میزان و فرقان حق و باطل است. عاشورا به جامعه دینداران هشدار می دهد در همیشه تاریخ دو صف در میدان وجود دارد؛ صف حسینیان و صف یزیدیان! انسان باید تکلیف خود را با این دو صف روشن کرده، جایگاه خود را در یکی از این دو صف تشخیص دهد:

هلا مسلمانان! به هوش باید بود!

که در همیشه &shy;ی تاریخ زندگانی &shy;مان،

همیشه جبهه &shy;ی تزویر و زور و زر برپاست!

همیشه آل علی در نبرد با اینهاست!

همیشه و همه جا کربلا و عاشوراست!

به یاد دار که گفتم: حسین!

حسین من!

حسین تو!

حسین ما تنهاست!

تو خویش را دریاب!  
در این نبرد، نبرد یزیدیان و حسین!  
از این دو صف: صف سفیانیان و آل علی (ع)  
تو در کدام صفی؟!  
جایگاه تو، به کجاست؟!  
ادامه دارد...  
دکتر سید یحیی یثربی  
مهر ماه ۱۳۹۶  
محرم الحرام ۱۳۳۹